

مصاحبه با پانته‌آ بهرامی و مهرداد بابالویی

با انتشار اسناد تصویری گردهمایی سراسری درباره کشتار زندانیان سیاسی در ایران، روش دیگری برای مستندسازی و گزارش‌دهی در اپوزیسیون پیشرو ایران به معرض آزمایش گذاشته شد. سرعت عمل و حجم بسیار زیاد کارهای آماده‌سازی فیلم‌های گردهمایی از سویی و به کارگیری حداقل امکانات فنی و مالی برای انجام چنین کاری از سوی دیگر، از جمله مشکلات پیش روی پانته‌آ بهرامی و مهرداد بابالویی، کارگردان و مسئول فنی این کارها بودند. بدیهی است که با امکانات وسیع فنی و مالی که رسانه‌های حاکم در اختیار دارند، انجام چنین پروژه‌ای با چنین مشکلاتی روبرو نبود و یا نخواهد بود. با این همه، هنر در این است که علی‌رغم کمبودهای وسیع، هنرمندان چپ و پیشرو توانستند، کاری ماندنی را به انجام برسانند. اعتماد به نفس، پشتکار و نهراسیدن از کاستی‌هایی که "لطمه به اعتبار هنری" هنرمند می‌زند، مرا به یاد سنت‌شکنی سینمای «موج نو»ی فرانسه و منتقدین «کایه دو سینما» می‌اندازد. اعتراض، آفرینشگری و نوآوری، اعتمادی نفسی درونی می‌خواهد.



در حین کارهای گردهمایی سراسری، چنین ویژگی‌هایی را در پانته‌آ و مهرداد یافتیم. دنبال بهانه‌ای بودم تا آنان را «به حرف بکشم!» و انتشار DVDهای گردهمایی سراسری، بهانه‌ای برای این کار شد.

می‌دانم که پانته‌آ، فارغ‌التحصیل رشته علوم ارتباطات اجتماعی در تهران است. او در ۲۲ سالگی دستگیر شد. سال‌های سیاه ۱۳۶۰ تا ۱۳۶۴ را در زندان‌های جمهوری اسلامی تجربه کرد. پس از خروج از ایران، تز فوق‌لیسانس خود را در سال ۱۹۹۴ در دانشگاه دورتموند در مورد "سیری در روزنامه‌نگاری زنان در ایران از ابتدا تاکنون" به رشته تحریر در آورد. تز دکترایش را در سال ۲۰۰۲ در مورد "نقش زن در سینمای ایران - مقایسه‌ای بین سینمای متفاوت در قبل و بعد از انقلاب" نوشت.



مهرداد نیز از دانشجویانی است که آفت ضدانقلاب فرهنگی در سال ۱۳۵۹ مانع از ادامه تحصیلش در داخل کشور شد. سال ۱۹۸۵ مجبور به ترک ایران شد در آلمان به تحصیل رشته مورد علاقه‌اش در حوزه سینما و تلویزیون پرداخت. زمینه تخصصی کارش دوربین و فیلم‌برداری است. آن چه در پی می‌آید، پاسخ پانته‌آ و مهرداد به پرسش‌هایی است که برایشان فرستاده‌ام.

همایون ایوانی

*** از این که دعوت به مصاحبه را پذیرفتید، متشکرم. برای آغاز کمی درباره خودتان بگوئید. در چه زمینه‌هایی به ساختن فیلم پرداخته‌اید؟ کارهای قبلی‌تان چگونه بود؟**

- ما از سال ۱۹۹۱ شروع به تولید و پخش برنامه تلویزیونی در آلمان کردیم. این برنامه که به نام "رسانه" معروف است در ابتدا هفته‌ای یک بار ۹۰ دقیقه و اکنون دو هفته یک بار ۴۵ دقیقه پخش می‌شود. "رسانه" اغلب به طور زنده پخش می‌گردد. "رسانه" در طول حیات ۱۴ ساله خود، یکی از وسایل ارتباط جمعی آترناتیو در خارج از کشور محسوب می‌شود و دارای برنامه‌های متنوع مثل میزگردهای سیاسی، برنامه کودک، اخبار، موسیقی، برنامه زنان و غیره بوده و هست. رسانه دارای آرشیو بسیار غنی از چهره‌های ادبی، سیاسی و موسیقی ایران است. از جمله در این سال‌ها از پریسا، شجریان، سیما بینا، گروه دستان، شهرام ناظری و... ضبط حرفه‌ای در کنسرت‌ها نموده است.

به جز برنامه رسانه از سال ۱۹۹۸ شروع به ساختن فیلم‌های مستند به زبان آلمانی و فارسی نموده‌ایم که یکی از آنان به نام از این فریاد تا آن فریاد در جشنواره بین المللی زنان در ایتالیا در سال ۲۰۰۴ و "سمینار سراسری درباره کشتار زندانیان سیاسی در ایران" در ۲۰۰۵ به نمایش درآمد.

*** فیلم و سینما، به عنوان یک رسانه قوی در مقابل رسانه‌های نوشتاری مثل کتاب و نشریات را دارای چه ویژگی‌ایی می‌دانید؟ آیا فیلم و سینما می‌تواند جای رسانه‌های نوشتاری را بگیرد؟**

- می‌گویند یک عکس به جای ۲۰۰ هزار کلمه سخن می‌گوید. هر رسانه‌ای دارای ویژگی خاصی است که نمی‌تواند جایگزین دیگری شود. اما رسانه‌های تصویری در کشورهای جهان سوم و کشورهایی که درجه بی‌سوادی آن بالاست طبیعتاً نفوذ بیشتری دارد.

*** می‌دانید که گفتگوهای زندان خودش را در حوزه کتاب و نیز اینترنت، به عنوان بخشی از شبکه رسانه‌های آترناتیو می‌داند. آیا در حوزه رسانه‌های تصویری فارسی زبان، که شما بیشتر در آن فعال هستید، امیدی برای گسترش صدای متفاوت با رسانه‌های حاکم وجود دارد؟ چه مشکلات و موانعی و یا چه نقاط قوتی در پیشبرد امر رسانه‌های آترناتیو در زمینه رسانه‌های صوتی و تصویری می‌بینید؟**

- همواره این امید وجود دارد. ما حدود چندسالی است که در این مورد تحقیق و کار می‌کنیم. حدود ۹ ماه نیز برای یک برنامه تلویزیونی ماهواره‌ای در آمریکا برنامه می‌فرستادیم که بسیار در ایران و ترکیه مورد استقبال قرار گرفت که متأسفانه به خاطر تنگناهای مالی، به بن بست خورد. اما در دوره کنونی، شرایط از نظر ذهنی و عینی بسیار آماده است زیرا مردم تلویزیون‌های لس آنجلس را تجربه کرده‌اند و اکنون جای یک تلویزیون آترناتیو بسیار حس می‌شود. از سوی دیگر تعداد نیروهای مرفقی از نظر کمی امروز در خارج کشور بیشتر شده و بخشا بین آنان شبکه ارتباطی وجود دارد. مشکل اصلی مساله مالی است که بر روی آن باید تفکر و برنامه‌ریزی کرد.

*** خب، می‌دانم که ماه‌ها با بقیه همکاران، مشغول تدارک، برگزاری و نیز کارهای آماده‌سازی اسناد "سمینار سراسری درباره کشتار زندانیان سیاسی در ایران" بودید. سمینار از ۱۵ تا ۱۷ جولای ۲۰۰۵ در شهر کلن آلمان برگزار شد ولی به فاصله یک ماه پس از اتمام سمینار، کمیته برگزارکننده خبر داد که بخشی از اسناد نوشتاری در نشریه آرش و نیز اسناد تصویری جلسات و برنامه‌های هنری به صورت ۱۰ DVD برای ارائه به عموم آماده شده است. می‌خواهم پرسش‌هایم را به سه قسمت تفکیک کنم: پیش از گردهمایی، روزهای گردهمایی و پس از گردهمایی.**

پیش از گردهمایی

* چه چیزی باعث شد که به کمیته برگزارکننده پیوستید؟ بیشتر احساس بود یا شناختی از ضرورت‌ها؟

- واقعیت آن است که ضرورت پرداخت به مساله شکنجه، زندان همیشه حس می‌شده اما این که شرایط برای یک همکاری تنگاتنگ آماده شود، نیاز به فاکتورهای دیگری داشت. ما در دسامبر ۲۰۰۳ برای ساختن یک فیلم مستند در مورد زندان دست به بازسازی صحنه‌هایی از آن زدیم. در این رابطه یکی از رفقای گفتگوی زندان کمک فراوانی به تیم ما کرد. و از آنجا که این کمک‌ها با موارد مالی قابل جبران نیست، فکر کردیم که موقعیت خوبی است که در این مورد کمک متقابل شود که هم انرژی‌ها بارور گردد و هم بتوانیم نشان دهیم در درون جنبش چپ پتانسیل بالایی از توانایی‌ها وجود دارد که استفاده از آن امروز ضرورت است.

* بیشتر چه بخشی از روند تدارک برای برگزاری گردهمایی کلن را بر عهده داشتید؟

- تیم ما، که تیم فنی نام داشت، سه بخش صدا (تهیه میکروفن و دستگاه میکس صدا)؛ تدارک نور (نورپردازی کل سالن با نصب پرژکتورهای مخصوص) و مستندسازی تصویری از کل سمینار را که شامل فیلم‌برداری و مونتاژ بود را به عهده داشت.

* خودتان نقاط قوت و ضعف این مرحله از کار را چگونه ارزیابی می‌کنید؟ آیا برای گردهمایی‌ای با این تراکم برنامه و تنوع

شرکت‌کننده آماده بودید؟ امکانات مالی برای تهیه ملزومات فنی، نظیر دوربین‌ها، صدا برداری و نورپردازی کافی بود؟

- واقعیت آن است که کار دارای ضعف و قوت‌های مختلف بود که پس از پایان کار از آن جمع‌بندی کرده‌ایم. در بخش صدا به خاطر تراکم سالن سعی کردیم که از میکروفن‌های بدون سیم استفاده شود. اما برای کار هنری استفاده از میکروفن با سیم بهتر است. تمام صداها به ویژه صدای هنرمندان قبل از اجرا چک می‌شد. روشن بودن تلفن‌های همراه نیز باعث اختلال صدا می‌شد ولی کل این موارد در یک برنامه سه روزه بسیار نادر بود. در مورد فیلم‌برداری از آنجا که تجربه ضبط زنده و به ویژه تجربه ضبط برنامه‌های زنده هنری را داشتیم، مشکل عمده‌ای وجود نداشت. کمبود امکانات مالی، طبیعتاً چند لطمه به کار ما زد. اول آن که ما مجبور شدیم امکانات نورپردازی را به خاطر تنگناهای مالی نصف کنیم. دوم آن که ما علاوه بر تیم فنی (که شامل افراد حرفه‌ای و آماتور بودند) نیاز به یک فیلم‌بردار حرفه‌ای داشتیم که به خاطر مشکلات مالی مجبور شدیم از نیروهای آماتور استفاده کنیم. علاوه بر آن، اگر امکانات مالی کافی در اختیار داشتیم کار در هر سه زمینه می‌توانست حرفه‌ای‌تر عرضه شود.

روزهای گردهمایی

* در آن روزهای گرم و پر از برنامه، گروه فنی پیش‌بینی لازم را کرده بود؟ آیا پس از آن، به برخی موارد که برای موارد

بعدی بایستی به آن توجه داشت، برخوردید؟

- فکر می‌کنم به بخشی از این پرسش در بالا پاسخ داده شد. ما در داخل سالن سه دوربین و نیز یک دوربین در بیرون از سالن کار گذاشته بودیم. علاوه بر آن، سه مونیتور برای کنترل و یک دستگاه میکس تصویر سرصحنه داشتیم. یک لپ‌تاپ (کامپیوتر همراه) نیز برای مونتاژ هم زمان و تبدیل آن به فرماتی که قابل نصب برای صفحه اینترنت باشد، نصب کردیم. از قبل پیش‌بینی شده بود که از هر سخنرانی یا برنامه هنری ۵ دقیقه در صفحه اینترنت در همان روزهای سمینار نصب شود. این کار حداقل در برنامه‌های ایرانی یک کار خلاق بود که برای اولین بار صورت می‌گرفت.

در جریان این کار، که از حساسیت و سرعت بسیار برخوردار بود، دچار دو مشکل شدیم. اول آن که تدوین‌گر گروه فنی، بعد از ظهر روز شنبه برای اجرای یک برنامه گفت و شنود به عنوان مجری به سالن B خوانده شد و در نتیجه توفقی در کار وی ایجاد شد.

دوم آن که روز سوم اشتفان هاشمی برای پخش فیلم خود DVD به همراه نداشت و یک کامپیوتر قدیمی داشت که ما باید یا پخش فیلم او را منتفی می‌کردیم و یا لپتاپ مونتاز را در اختیار او می‌گذاشتیم که انجام کار دوم باعث شد یک بخش اعظم مونتاز به موقع برای نصب در صفحه آماده نشود. به نظرم اگر به اشتفان جواب منفی می‌دادیم می‌توانستیم بخش بزرگی از برنامه‌ها را مونتاز و نصب کنیم، ولی از سویی اجرای سخنرانی او نیز در برنامه کار گردهمایی قرار داشت.



*** گروه کاری فنی از چه ترکیبی برخوردار بود؟ حرفه‌ای، نیمه حرفه‌ای یا داوطلب؟**

- گروه فنی از افراد حرفه‌ای در زمینه فیلم‌برداری و تدوین و صدا برخوردار بود، اما تعداد افراد حرفه‌ای برای چنین کار بزرگی کافی نبود. در تیم افراد نیمه حرفه‌ای و داوطلب نیز وجود داشت. در مجموع تیم فنی از ۱۰ نفر تشکیل می‌شد.

*** از جمله انتقادات به جنبه‌های فنی گردهمایی، گلایه‌های یکی از خبرنگاران به "قطع مکرر صدا" بود. علاقه داشتیم خودتان به این موضوع پاسخ دهید.**

- شاید بهترین سند برای رد این ادعا برای "قطع مکرر صدا" نوارهای صدا و تصویر سمینار است که خود در این مورد قضاوت می‌کند. موارد نادر قطع صدا همان‌طور که توضیح دادیم مربوط به روشن بودن تلفن‌های همراه بود که در پخش صدا گاهی اختلال ایجاد می‌کرد و با تذکر به حاضرین در سالن، این موضوع حل شد. حتی صدا در ایران از طریق پالتاک پخش می‌شد و در این مورد از کیفیت بسیار خوب صدا یاد شده است.

*** نحوه انتخاب فیلم‌های کوتاه در اینترنت و معیار انتخاب آن‌ها چه بود؟ بگذارید، راحت‌تر ببرسم، برخی از دوستان این شبهه را دارند که "افراد خاصی" ارجحیت داده شده‌اند، و سایرین حذف شده‌اند. می‌دانم که برخلاف همه دوستانی که تجربیاتی تلخ با سانسور و حذف افراد دارند، همه کمیته برگزارکننده و نیز شما، تلاش‌تان این بوده و هست که صدای طیف وسیع‌تر و رنگارنگ-تری را به گوش مخاطبین برسانید. ولی، علاقه داشتیم، در این مورد نظر خودتان را نیز بدانم.**

- به هیچ وجه، هیچ گونه انتخابی در کار نبود. تیم فنی با مشورت با بقیه دست اندرکاران سمینار تصمیم به انجام یک کار نو گرفته بود که حداقل در جنبش ما نظیر آن وجود نداشته و آن تدوین و نصب ۵ دقیقه از سخنرانی‌ها و یا برنامه‌های دیگر در صفحه اینترنت در همان سه روز سمینار بود. ما حتی تدارک دو کامپیوتر برای مونتاز را کرده بودیم. متأسفانه یکی از آن‌ها هنگام کار، همان روز اول از کار افتاد. مشکل دوم، مساله زمانی بود که در پاسخ یکی از پرسش‌های بالا، به طور کامل به آن پرداختیم. حتی به دلیل کمبود وقت، تدوین‌گر کمیته فنی تا ساعت ۵ صبح روز دوشنبه بعد از سمینار مشغول مونتاز فیلم‌های

۵ دقیقه‌ای بود ولی به دلیل تراکم سخنرانان ارایه همه فیلم‌ها در این سه روز متأسفانه میسر نشد و از آنجا که تدوین کل سخنرانی‌ها و برنامه‌ها برای تولید DVD در دستور کار بود. تدوین ۵ دقیقه برنامه‌ها به درستی متوقف شد. اما کل این ابتکار تجربه بسیار ارزشمندی برای تیم بود.

*** با توجه به فرهنگ حاکم بر رسانه‌های قدرت‌مدار و نیز گروه‌های سنتی که "حقوق ویژه‌ای" برای خود قائل هستند، آیا واقعا شما، در انتخاب فیلم‌های کوتاه اینترنتی نخبه‌گرایی نکردید؟!**

- به هیچ وجه، ما علاقمند بودیم که از همه سخنرانی‌ها ۵ دقیقه در صفحه نصب شود و اگر مساله اشتغال و اجرای برنامه روز شنبه شب در سالن B پیش نمی‌آمد، ما به طور حتم، موفق به نصب ۹۰ درصد کل برنامه‌ها می‌شدیم. شاید در جمع‌بندی می‌توان گفت که ما می‌توانستیم دو لیپ‌تاپ برای این کار در نظر بگیریم که متأسفانه آن زمان به خاطر تنگناهای مالی میسر نبود. و می‌توانستیم دو تدوین‌گر برای این حجم از برنامه‌ها پیش‌بینی کنیم.

پس از گردهمایی

*** خب، این پرسش بیشتر از کنجکاوی شخصی است! درست چند ساعت پس از پایان گردهمایی در روز یکشنبه ۱۷ ژوئیه، در نیمه‌های شب، فکر می‌کنم ۲ تا ۳ نیمه شب بود، داشتم با رفقای دیگر، کارهای فوری پس از گردهمایی را با هم در یکی از خانه‌ها انجام می‌دادیم. با توجه به این که اغلب افراد کمیته برگزارکننده، هفته‌ها بی‌خوابی داشتند و برخی در بیست و چهار ساعت، بین ۲ تا ۴ ساعت می‌توانستند بخوابند، داشتم به بقیه رفقا می‌گفتم که «امشب، به جز ما الان همه راحت خوابیده‌اند!»، که تلفن زنگ زد! آن طرف خط**



پانته‌آ بود! خب دو تا پرسش هنوز هم برایم بی‌جواب است: اولاً این همه انرژی را از کجا می‌آوردید؟! و دوم، از کجا حدس می‌زدید که ۲ یا ۳ نصفه شب، ما کار را تعطیل نکرده‌ایم و نخوابیده‌ایم؟!

- شاید یکی از بزرگترین تجربه‌های زندان، استفاده از بیشترین انرژی با کمترین امکانات است و سمینار خود آینه این ادعاست. و این عادت در من نیز باقی مانده است. در عین حال من (پانته‌آ) در نظر داشتم تا آنجا که توان داریم فیلم‌های ۵ دقیقه‌ای را برای نصب در اینترنت آماده کنیم، به همین دلیل تا ساعت ۵ صبح روز دوشنبه به این کار ادامه دادم. البته ما قبل از سمینار مدت طولانی نبود که همدیگر را می‌شناختیم ولی در همین مدت کمی با روحیات هم آشنا شده بودیم. از سوی دیگر حداقل از دو هفته قبل از گردهمایی، شبی نبود که ساعت یک و دو مزاحم هم نشده باشیم!!! و برای تدارکات کار صحبت نکرده باشیم. آن شب ساعت ۳ صبح بود و ما واقعا با تردید تماس گرفتیم. حالا شما این همه انرژی را کجا ذخیره می‌کنید که به موقع به کار می‌بندید؟!

*** یک ماه پس از سمینار شما موفق شدید تجربه جدیدی را (حداقل تا آن جا که می‌دانم در میان سینماگران ایرانی) تحقق دهید. اسناد تصویری گردهمایی، برای ارائه عمومی به همت شما و رفقای دیگر، آماده شده بود. خودتان این کار را چگونه**

ارزیابی می‌کنید؟ آیا تجربه مشابهی را در میان سینماگران آلترناتیو و غیرحکومتی که بودجه‌های کلان در اختیار ندارند را سراغ دارید؟

- واقعا این ابتکار که حداقل در نوع خود برای جنبش ما بی‌سابقه بود، با این حجم و کیفیتی که دارد تنها با عشق و شور یک تیم پرکار، کوشا و حرفه‌ای تحقق پیدا می‌کرد. جا دارد در اینجا از همه رفقا و دوستان که با همکاری‌شان بدون چشم داشت مالی، این جوانه را بارور کردند، سپاسگزاری کنیم. آنان که در کارهای تلویزیونی هستند می‌دانند که داشتن یک تیم ورزیده اولین شرط موفقیت است و این‌گونه ابتکارات به طور فردی امکان پذیر نیست. اما باید اعتراف کنیم که محیط سه روزه سمینار آن قدر خالصانه، بی‌ریا، پرعطوفت، زیبا و مبارز بود که خود به خود انرژی مثبت در ما تولید کرد.

*** سرعت عمل، ریسک زیادی در افت کیفیت کار دارد، بسیاری از هنرمندان، برای آن که آسیبی به چهره هنری و توانایی کاری‌شان نخورد، از ارائه کارهایی که با شتاب و به احتمال، برخی کاستی‌ها، همراه خواهد بود، خودداری می‌کنند. خودتان با این مسئله و اسناد تصویری گردهمایی سراسری چگونه برخورد می‌کنید؟ سبک کار مشابهی را در عرصه مستندسازی سینمایی برخورد داشته‌اید؟**

- البته از همه هنرمندان قبلا برای انتشار آثارشان سوال شده بود. همواره انتخاب این کار به عهده خود هنرمند است ولی حداقل آن است که هنرمندان می‌توانند، تماشاگر خود به طور زنده در روی صحنه باشند و به کنکاش نکات قوت و ضعف بپردازند. نوع دیگر کار می‌توانست آن باشد که فیلم خود را ببینند، بعد در مورد تکثیر کار تصمیم بگیرند. در مورد کار سمینار بخش مستندسازی تصویری آن، در درجه اول اهمیت قرار داشت.

*** آیا خطاهای کوچک و بزرگی در این مرحله از کار مستندسازی گردهمایی سراسری می‌بینید؟**

- بدون آزمایش و خطا هیچ‌گونه تکاملی ممکن نیست. انتقاد به کار را در لابلای سوالات پاسخ دادیم. اما نه تنها در مورد این کار بخصوص بلکه در مورد همه آثاری که تا به حال منتشر و یا تکثیر کرده‌ایم و یا ساخته‌ایم. هرگونه انتقادی را با آغوش باز استقبال می‌کنیم چه آثار هنری، تنها در برخورد و کنکاش است که تکامل می‌یابد.

*** به عنوان آخرین پرسش، از مجموع کار فنی گردهمایی راضی هستید؟ با این همه خستگی، فشار (جسمی، روحی، مالی و...)**
باز هم آمیدی به کارهایی بعدی در این زمینه داشته باشیم؟!

- با تمام کاستی‌ها از آنجا که یک کار تیمی بود و دست به تجربه نوینی زده بود، راضی هستیم و در صدد رفع کمبودها هستیم. در مورد آینده زمان پاسخ‌گو خواهد بود. شاید در وقتی دیگر، مکانی دیگر و تجربه‌ای دیگر... دست‌تان را به گرمی می‌فشاریم و برای این همه پویایی و انرژی آرزوی باروری هرچه بیشتر داریم.

*** از این که به پرسش‌هایم پاسخ دادید، متشکرم.**